

تاچه اندازه می‌توان روی سمن‌ها حساب کرد؟

# عصر آموزش‌وپرورش دولت‌ساخته پایانی ندارد

در سال‌های نه چندان دور، بسیاری از کارشناسان معتقد بودند حضور نهادهای مدنی در امر آموزش‌وپرورش به دلیل ناآگاهی آنها نسبت به نقش، جایگاه و مسئولیتشان از یک سو و ساختار به شدت متمرکز و غیرمشارکتی وزارت آموزش‌وپرورش از سوی دیگر از موانع بزرگ دگرگونی در امر آموزش‌وپرورش محسوب می‌شود. نهادهای مدنی فعال در حوزه آموزش‌وپرورش با روش آزمون و خطا هرکدام سعی کردند تأثیرگذاری در عرصه آموزش‌وپرورش داشته باشند. تئوری مشخص و ثابتي برای فعالیت خود نداشتند و هرکدام به‌صورت کاملاً فردی به نظر خود نقصي را در سیستم آموزش‌وپرورش درک کرده و از همان زاویه شروع به ترمیم سیستم و فعالیت خود را آغاز کردند. برخی مدرسه‌ساز شدند و بعضی در حوزه تربیت معلم و مربی فعالیت کردند. تعدادی برای تجهیز امکانات مدارس کام برداشتند و برخی دیگر در تأمین سایر مایحتاج دانش‌آموزان و خانواده‌های آنها همت ورزیدند. در این مسیر پرفرازونشیب برخی سازمان‌های مدنی متوقف شدند و ریزش کردند و تعدادی به مسیر خود ادامه دادند. تعدادی نیز با استفاده از تجربه دیگر سازمان‌ها، تازه‌نفس به میدان آمدند و ادامه دادند. اما مسئله حضور سازمان‌های مردم‌نهاد در امر آموزش‌وپرورش به همین جا ختم نمی‌شود. وزارت آموزش‌وپرورش نیز در سال‌های اخیر تغییر رویکرد جدی برای تمرکززدایی از امر آموزش‌وپرورش داشته است. این مسئله فرصتي شد تا فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد در عرصه آموزش‌وپرورش نقش جدی‌تر و پررنگ‌تری داشته باشند. حضور فعال سازمان‌های مدنی داخلی، در سطوح بین‌المللی و تبادل تجربه با دیگر کشورها منجر به جلب اعتماد مردمی در سطح کشور شده است. مسئله اینجااست که آیا آموزش‌وپرورش با همین ساختار متمرکزی که دارد، می‌تواند به کارکرد واقعی خودش در جامعه بپردازد یا به مرور وظایفش به نهادهای مدنی دیگر واگذار خواهد شد؟ در همین رابطه با «سیدحسن الحسینی» از اعضای شورای مرکزی «انجمن اسلامی معلمان ایران» و معاون سابق وزارت آموزش‌وپرورش گفت‌وگو کرده‌ایم:

**❧** با وجود اینکه مدت زیادی از تجربه حضور سازمان‌های مردم‌نهاد در حوزه آموزش‌وپرورش نمی‌گذرد اما دستاوردهای مهم و تأثیرگذاری داشته‌اند و در مواردی توانسته‌اند از دولت‌ها پیشی بگیرند. ارزیابی شما از جایگاه سازمان‌های مردم‌نهاد در ساختار آموزشی کشور چیست؟

سازمان‌های مردم‌نهاد ساختارهای نوپدیدی هستند که مأموریت آنها حل مشکلات مردم به وسیله خود مردم است. این سازمان‌ها در کشورهای توسعه‌یافته سابقه تاریخی درخشان‌تر و کارکردهای بهتری دارند و در کشورهای توسعه‌نایافته با توسعه‌نیافتن سازمان‌های مردم‌نهاد هم روبه‌رو هستیم. به نظر من پنج نقش برای سازمان‌های مردم‌نهاد اصل است: اول اینکه از قدرت متمرکز دولت می‌کاهد. دوم، مکمل دولت در بخش خدمات‌رسانی به مردم

هستند. سوم، در تربیت و ظهور شهروند مسئول نقش مهمی دارند. چهارم برخی از امور فراموش‌شده در افکار عمومی را می‌توانند زنده کنند. پنجم، یکی از ارکان دموکراسی را در کشور ایجاد می‌کنند. رابطه سازمان‌های مردم‌نهاد با یک خدمت ملی به نام آموزش‌وپرورش جایگاه و معنای خاص خودش را پیدا می‌کند. اگر بپذیریم آموزش‌وپرورش متولی آموزش‌های عمومی در کشور است، در آن صورت وظیفه قطعی و حتمی دولت، تأمین و پشتیبانی آموزش‌وپرورش از جهت بودجه و امکانات است. ما در کشوری زندگی می‌کنیم که سرانه تحصیلی دانش‌آموزانمان به مراتب کمتر از متوسط جهانی است و این به تربیت دانش‌آموز جهانی منجر نخواهد شد. حتماً اگر می‌خواهیم آموزش‌وپرورش یک شهروند جهانی باشد، باید بتوانیم متوسط استانداردهای جهانی را در تخصیص بودجه‌های لازم به آموزش‌وپرورش داشته باشیم. در واقع سهم آموزش‌وپرورش از GDP مطابق استانداردهای جهانی باشد.

**❧ آموزش‌وپرورش تا چه اندازه می‌تواند با استفاده بهینه از بودجه در تولید ناخالص ملی نقش تأثیرگذاری داشته باشد؟**

آموزش‌وپرورش‌ها در عمل دو نقش دارند؛ یکی اینکه فقط مصرف‌کننده باشند و دیگری اینکه آموزش‌وپرورش‌ها می‌توانند توسعه‌گرا باشند و در تولید ناخالص ملی و افزایش آن نقش مهمی ایفا کنند. اگر نگاهمان ایجاد آموزش‌وپرورش توسعه‌گرا باشد، بسیاری از چالش‌های کنونی آموزش‌وپرورش دیگر موضوعیت ندارند و حل می‌شوند.

**❧ برای تربیت شهروند جهانی تا چه اندازه می‌توان از فرصت حضور سازمان‌های مردم‌نهاد در نظام آموزشی استفاده کرد؟**

دولت‌ها عمدتاً محافظه‌کاره‌ستند. به همین دلیل باز نشدن پای مردم به آموزش‌وپرورش از سوی سازمان‌های مردم‌نهاد می‌تواند به بهبود رویکردها و کارکردها منجر شود. اگر این کارآمدی اتفاق بیفتد، در آن‌صورت آموزش‌وپرورش می‌تواند آینده روشن‌تری برای کشور رقم بزند.

**❧ با توجه به تمرکزگرایبودن آموزش‌وپرورش به نظر شما دوره آموزش‌وپرورش دولت‌ساخته تمام شده است؟**

من این دید افراطی را ندارم. حتماً دولت‌ها همچنان باید در آموزش‌وپرورش ایفای نقش کنند اما به این معنا که پشتیبانی کنند، نه اینکه هدایت و برنامه‌ریزی و اجرا کنند. حتماً باید سهمی از GDP به آموزش‌وپرورش اختصاص پیدا کند که این سهم حداقل متناسب با آن متوسط جهانی باشد و حالا با توجه به اینکه ما عقب‌افتادگی م‌زمن هم داریم، باید این سهم بیشتر هم باشد تا بتوانیم به حد متوسط جهانی برسیم. پس سهم دولت‌ها را در آموزش‌وپرورش نمی‌توانیم نادیده بگیریم. اکنون در دموکرات‌ترین کشورها، دولت‌ها نقش ایفا می‌کنند اما این نقش محدود به پشتیبانی است، نه مثل کشور ما که تا نهایت اجرا نقش دولت



تعریف می‌شود. به نظر من اجرا باید به شوراهای شهر سپرده شود. اجرا باید به سازمان‌های مردم‌نهاد و حتی خود مدرسه سپرده شود.

**❧ تشکل‌ها یا سازمان‌های مردم‌نهاد که هرکدام در ساختار آموزش‌وپرورش نقشی را برعهده دارند چگونه می‌توانند عمل کنند تا تأثیرگذاری بیشتری داشته باشند؟**

سازمان‌های مردم‌نهاد و تشکل‌ها در کشور ما هیچ‌کدام نقش و جایگاه واقعی خودشان را پیدا نکرده‌اند. دلایل زیادی هم دارد. در یک کشور با سابقه محدودیت‌های سیاسی و اجتماعی حتماً تشکل‌های مردمی با مشکلاتی روبه‌رو هستند. اما مسئله این است که تشکل‌ها در کشور ما چندان تشکل‌های جدی‌ای نیستند. اولین اشکال به خود تشکل‌ها برمی‌گردد. در کشوری که بیش از ۳۵۰ تشکل وجود دارد حتماً تشکل‌ها بی‌نقشد. کم‌بودن تشکل‌ها نشان از مهم‌بودن آنهاست. درواقع تشکل‌ها به‌قدری تکرر پیدا کرده‌اند که عملاً یکدیگر را خنثی می‌کنند. در آموزش‌وپرورش تشکل جدی نداریم، به همین دلیل حجم فراگیری و شمولیت آنها به‌شدت پایین است.

**❧ تکثر و تعدد می‌تواند به افزایش مطالبه‌گری مردم کمک کند؟**

تعدد تشکل‌ها از تعدد خواست‌ها پیروی نمی‌کند. در کشور ما تعدد تشکل‌ها از این مسئله سرچشمه گرفته است که افراد نمی‌توانند با هم کار کنند. خواست‌ها باید متمرکز باشند و جهت خاصی را تعقیب کرده و به سمت تحقق آن پیش بروند؛ درصورتی‌که در ایران تعدد و تکثر تشکل‌ها از این مسئله پیروی نمی‌کند. من معتقدم آموزش‌وپرورش برخلاف سازمان‌های دیگر باید بسیار شفاف عمل کند و از‌سوی مردم اداره شود، اما این به معنای حذف ضرورت حضور دولت نیست. درواقع ما به حضور دولت برای تحقق عدالت اجتماعی نیازمند هستیم، اما باید در سطح پشتیبانی حضور داشته باشد.

**❧ چشم‌انداز حضور سازمان‌های مردم‌نهاد در آموزش‌وپرورش چگونه خواهد بود؟**

به نظر من این آینده، هم بستگی به کنشگری‌های طرفین دارد، هم به نحوه اداره آموزش‌وپرورش و سیاست‌های آموزش‌وپرورش برمی‌گردد و هم به برنامه‌های آینده آموزش‌وپرورش بستگی دارد. ما هرچقدر به سمت آموزش‌وپرورش دموکراتیک برویم، حتماً نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در آن بیشتر خواهد بود. اگر سازمان‌های مردم‌نهاد تلاش خود را برای تأثیرگذاری جدی داشته باشند و به‌عنوان مطالبه جدی خودشان مطرح کنند حتماً توفیقاتی خواهند داشت. یک تلاش دوجانبه نیاز دارد. از یک‌سو اصلاح سیاست‌گذاری و خوش‌بینی به مردم و سازمان‌های مردم‌نهاد باشد و از سوی دیگر تلاش جدی این سازمان‌ها برای مطالبه نقش وجود داشته باشد. در این‌صورت می‌توان آینده آموزش‌وپرورش را درخشان دید و به تحول در آموزش‌وپرورش امیدوار بود.

## سمن‌ها تهدید نیستند، فرصت‌اند

موقفیت‌های چشمگیری در این امر دست یافت. البته این به معنای خصوصی‌سازی امر آموزش نیست، چراکه اساساً سرمایه‌گذاری در آموزش و بهداشت وظیفه اصلی دولت‌هاست و اگر در خصوصی‌سازی افراط شود، نابرابری‌های اجتماعی از طریق آموزش‌وپرورش توسعه پیدا کرده و بازتولید می‌شوند. به‌عنوان نمونه چندین‌سال پیش طرح مدارس هیئت‌انمایی مطرح شد که کار خلاقه‌ای بود. به‌این‌ترتیب که در مدرسه‌ی که نمی‌توان آموزش‌وپرورش در آن‌سوی دولت تعیین می‌کرد، مدرسه را بر اساس میزان می‌توان در قالب هیئت امانا مسئولیت‌ها را به ترکیبی از اولیا و متخصصان واگذار کرد. این هم یک قالبی است که اصلی‌ترین واحد آموزشی؛ یعنی مدرسه را واگذار می‌کند. هیئت امانای مدرسه می‌تواند اختیارات زیادی داشته باشد، حتی در کتب درسی می‌تواند ورود پیدا کند. کمتر جایی در دنیا وجود دارد که مثل نظام آموزشی ما در تهران بنشیند و برای تمام نقاط کشوری به پناهوری ایران کتاب بنویسد. نمی‌توانیم همه اینها را در یک قالب ببریم و یکسان‌سازی کنیم. اینها باید واگذار شوند که یکی از قالب‌ها سازمان‌های مردم‌نهاد هستند. عملکرد این مدارس خوب شروع شد، ولی نتوانست موفق عمل کند و دیگر توسعه پیدا نکرد. یکی دیگر از نهادهای مشارکت‌کننده در امر آموزش‌وپرورش، خانواده‌ها هستند. انجمن اولیا و مربیان در جاهای دیگر دنیا دولتی نیست و قاعداًت باید در قالب یک سازمان مردم‌نهاد فعالیت کند، اما به دلیلی که هنوز کسی پاسخخ را نمی‌داند، در فرایندی انجمن اولیا و مربیان دولتی و بخشی از آموزش‌وپرورش وجود یافته است. طبیعی است که ناکارآمد می‌شود و نمی‌تواند اثر خوبی داشته باشد. وقتی از مردم می‌خواهیم مشارکت بگیریم باید به آنها اختیار هم بدهیم. هر انجمن اولیا و مربیانی باید بسته به سلاقی خانواده‌ها اختیارات مشخصی داشته باشد تا بتواند تغییراتی در محدودهای تعریف‌شده خودش ایجاد کند. ❧دکترای جامعه‌شناسی آموزش‌وپرورش



❧ حسین دهقان❧

حضور سازمان‌های مردم‌نهاد در امر آموزش برای نظام آموزشی کشور تهدید نیست، بلکه باعث افزایش کارآمدی در عملکرد آن می‌شود. در همه‌جای دنیا محدودۀ کار نظام آموزشی هر کشوری بر اساس میزان و ضرب مشارکتی که وجود دارد متفاوت است. اما در هیچ‌کجای دنیا این‌گونه نیست که آموزش‌وپرورش به‌طور صددرصد از حیطة کار دولت خارج شده باشد. از آموزش‌های متمرکز صددرصد دولتی در نظام‌های مختلف آموزشی در دنیا داریم تا آموزش‌هایی که توانسته‌اند حداکثر مشارکت مردمی را جلب کنند. حضور سازمان‌های مردم‌نهاد در امر آموزش‌وپرورش به این معنی نیست که آموزش‌وپرورش نتواند در شکل فعلی‌اش ادامه حیات دهد، بلکه، تجربه بسیاری از نقاط دنیا نشان می‌دهد خیلی بیش از اینها وظایف به سازمان‌های مردم‌نهاد دیگر واگذار شده و آموزش‌وپرورش در جای خودش باقی مانده است. نکته اینجااست که وقتی نظام آموزشی توانسته بخشی از وظایف را به مردم واگذار کند، چابک‌تر و چالاکت‌ر شده است. حیطة وظایف آموزش‌وپرورش بسیار متنوع و گسترده است. یکی از این گسترده‌گی‌ها در بُعد جغرافیایی تعریف می‌شود که ممکن است برخی از مسئولان در طول دوره مدیریتشان نتوانند در یک‌بار هم به برخی مناطق جغرافیایی و حوزه‌های زیرمجموعه خود در کشور سر زده و در آنجا حضور پیدا کنند. برای آن مکان کاری انجام دهند. در اینجااست که یک سازمان مردم‌نهاد می‌تواند در آن حیطة و در آن نقطه بسیار موفق‌تر عمل کند. درواقع با واگذاری برخی از وظایف آموزش‌وپرورش به سازمان‌های مردم‌نهاد در برخی نقاط می‌توان به

## تخته سفید

شنبه ۷ مرداد ۱۳۹۶ • سال چهاردهم • شماره ۲۹۲۲ • ۹

# شرق روزنامه

#### یادداشت

**آنان که عطش وزارت دارند!**



❧ **رضا نهضت** ❧ کارشناس آموزش‌وپرورش

فخرالدین آشتیانی هفته پیش گفت: در کابینه بعدی حسن روحانی نخواهد ماند و دلایل این نماندنش را برای رئیس‌جمهور گفته است. درواقع این گفته‌ها بیان می‌دارد که از سوی حسن روحانی، ابراز تمایل برای ابقای دانش‌آشتیانی بوده است، اما دانش‌آشتیانی برای ماندن، شرط‌وشروط‌هایی گذاشته است که احتمالاً این شرط‌وشروط‌ها، مورد قبول رئیس‌جمهور واقع نشده و به همین دلیل، پروژه عبور از دانش‌آشتیانی اتفاق افتاده است. به نظر می‌رسد اهمیت بیان این شرط‌وشروط‌ها و واکاوی آن، کمتر از انتخاب وزیر آموزش‌وپرورش باشد.

❧ در بحبوحه انتخابات ریاست‌جمهوری، محمدعلی نجفی، رئیس ستاد فرهنگیان دکتر روحانی، چندین‌بار و به‌کرات، وعده داد که در دولت دوازدهم، آموزش‌وپرورش در اولویت اول دولت قرار خواهد گرفت. وی دلیل عدم توجه شایسته به آموزش‌وپرورش را در دولت یازدهم، مسائل و مشکلات اقتصادی بیان کرده بود. نجفی حتی پا را فراتر از این گذاشت و با اعلام راه‌اندازی پویش مطالبات معلمان، خبر از رشد قابل‌توجه بودجه آموزش‌وپرورش از بودجه عمومی کشور و تولید ناخالص داخلی داد. به نظر می‌رسید با توجه به ترکیب مجلس شورای اسلامی که همدلی بیشتری با دولت دارد، نجفی با توجه به وعده‌هایش، گزینه اصلی دولت برای آموزش‌وپرورش باشد، اما نجفی مانند سال گذشته، وزارت آموزش‌وپرورش را نپذیرفت. چه کسی بهتر از نجفی که از جانب روحانی وعده در اولویت قرارگرفتن آموزش‌وپرورش را داده بود، می‌توانست مطالبات معلمان را پاسخ‌گو باشد؟ چه عوامل و دلایلی سبب می‌شود که نجفی روی از آموزش‌وپرورش برتابد، اما حاضر باشد که به‌عنوان کاندیدای شهرداری معرفی شود؟ آن‌هم شهرداری‌ای که با بدهی چندین هزار میلیاردتومانی که متققدان قالیباف آن را ثمره مدیریت وی می‌دانند، مواجه است؟



❧ درحالی‌که افراد برجسته منسوب به دولت از پذیرفتن مسئولیت آموزش‌وپرورش ابا دارند و به آن روی خوش نشان نمی‌دهند، برخی از مدیران فعلی و قبلی آموزش‌وپرورش در کمیته‌ای موسوم به ستاد فرهنگیان دکتر روحانی، برای رسیدن به کرسی وزارت آموزش‌وپرورش، سرودست می‌شکنند و بی‌محبا زیر پای نامزدهای احتمالی را خالی می‌کنند. مدیران ارشد دانش‌آشتیانی که به حکم دست راست او بودند، در جلسۀ‌ای مخفیانه، از ماه‌ها قبل، پروژه عبور از دانش‌آشتیانی را کلید می‌زنند و البته هم‌قسم می‌شوند که اطلاعات جلسه‌شان در جایی بیان نشود! البته منتقد دانش‌آشتیانی‌بودن عیب و ایرادی ندارد، عیب و ایراد آنجاست که این مدیران در ظاهر، خود را مدافع او نشان می‌دهند و به همین علت، مدیر منصوب او می‌شوند، اما در خلفا علیه او عمل می‌کنند. آیا این مصداق نفاق و دورویی نیست؟ چنین مدیرانی که برای رسیدن به پست و منصب، بی‌اخلاقی می‌کنند، آیا صلاحیت آن را دارند که بر مسند وزارت آموزش‌وپرورش بنشینند؟ تأسف‌بارتر اینکه، خیل عظیمی از آنان که امروز سودای وزارت دارند، تا همین یک سال پیش، بی‌محبا از مدیرعامل سابق صندوق ذخیره فرهنگیان حمایت و منتقدان وی را هجوم‌آورندگان به معیشت معلمان معرفی می‌کردند! اینان هنوز پاسخ‌گوی آنچه بر سر صندوق و اموال معلمان آمده است، نیستند و به‌جای پاسخ‌گویی و قبول تقصیر در اهمالشان، هوای وزارت در سر می‌پروراند و به طرق مختلف، درصدد بازگویی و مطرح‌کردن نام خود هستند. قطعاً استفاده از کسانی که مدیرعامل سابق صندوق فرهنگیان را فردی خدوم معرفی می‌کردند و در دفاع از تخلفاتش، هیچ ابایی نداشتند، شایستگی حضور در منصب مدیریتی آموزش‌وپرورش را ندارند؛ چه برسد به آنکه بخواهند بر مسند وزارت بنشینند که این کار مصداق سپردن امانت، به غیر اهل آن و اجحاف به جامعه تعلیم و تربیت است.

❧ مشکلات عدیده‌ای پیش‌روی آموزش‌وپرورش است که در چندسال آینده، تبدیل به یک بحران خواهد شد. آنان که این مشکلات را رصد می‌کنند، قطعاً حاضر نیستند بدون همکاری سایر اعضای دولت و حاکمیت، هدایت سکان این کشتی را بر دوش کشند. سوامی کمبود نیرو و بازنشسته‌شدن معلمان در یکی، دو سال آینده، به شکل محسوسی خود را نشان خواهد داد و این به حالی است که سازمان برنامه‌بودجه و مجموعه دولت هیچ همکاری قابل‌قبولی برای اختصاص ردیف استخدای نمی‌کنند. مدارس دولتی روزه‌روز شلوغ‌تر می‌شوند. به غیر از تخلفات عدیده در صندوق ذخیره، افت فراوان سود صندوق و خروجی سرمایه به علت موج بازنشستگی، صندوق را زمین‌گیر کرده است. دولت بدهی ۸۰۰میلیاردی خود را نمی‌پردازد و با این وصف این صندوق، جز برای مدیرانش، توجیه اقتصادی ندارد.

❧ با توجه به آنچه آمد، بر اساس عقل عملی، قبول کردن این مشکلات را رصد می‌کنند، قطعاً حاضر نیستند بدون مساعدت دولت و مجموعه حکمیت، چندان توجیه عقلانی ندارد و انسان‌های اخلاقی، حاضر به قبول‌کردن این مسئولیت، در چنان اوضاعی نیستند. آنان که برای رسیدن بر این مسند، در این روزها سرودست می‌شکنند، یا از اوضاع آموزش‌وپرورش خبر ندارند یا عطش ریاست دارند.

امروزه مشارکت مردم بسیار مهم است. اگر بخواهیم در کشور ایران یک آموزش‌وپرورش پویا و فعال داشته باشیم، چاره‌ای نیست جز اینکه فرصت حضور سازمان‌های مردم‌نهاد را مفتختم بشماریم. ناگفته نماند در ذات آموزش‌وپرورش و تعلیم و تربیت، حضور و مشارکت مردم نهفته است. شما چطور می‌توانید دانش‌آموزی را تحت تعلیم و تربیت قرار دهید، اما مشارکت خانواده را در نظر نگیرید؟ این خاص تعلیم و تربیت است و همه متخصصان این حوزه به آن توجه داشته‌اند. همه می‌دانند نمی‌توان در مدرسه برنامه‌ای داشت و خانواده را نادیده گرفت. خانواده باید در کنار متولیان تعلیم و تربیت باشد و این متولیان در کنار خانواده در جهت تعلیم و تربیت درست و به‌روز حرکت کنند. سازمان‌های مردم‌نهاد نیز متشکل از خانواده‌های همین دانش‌آموزان هستند که باید مشارکتشان مورد توجه قرار گیرد. این سازمان‌ها در ابعاد مختلف در زمینه آموزش‌وپرورش کشور فعال بوده‌اند؛ برای مثال در بسیاری از استان‌های کشور ایران، حدود یک‌سوم مدارس را خیرین مدرسه‌ساز ساخته‌اند و بسیار هم فعال عمل کرده‌اند، زیرا مردم ما اعتقاد به این امر دارند. درواقع مدرسه‌سازی در کنار ساخت مسجد، امری مقدس شمرده می‌شود. بسیاری از مدارس کنونی ما ملک وقفی دارند. حال باید دید دولت تا کجا می‌خواهد این روند را ادامه دهد که آموزش‌وپرورش ساخته‌وپرداخته دولت باشد. ما مدعی هستیم آموزش‌وپرورش ما حاکمیتی است، اما ما در درون مبانی اعتقادی‌مان مدنیت را



❧ داوود محمدی❧

## مدنیت نهفته در حاکمیتی‌بودن آموزش‌وپرورش

هم می‌پذیریم و می‌گویم جمهوری اسلامی؛ یعنی مردم خود نیز مؤثرند و ابعاد مختلف حاکمیت با رای مردم تعیین می‌شود پس این امر مدنی است. پس یک بحث حاکمیتی داریم و حاکمیت رؤس مختلف تعلیم و تربیت و آنچه باید آموزش داده شود را مشخص می‌کند، اما در درون این حاکمیتی‌بودن کاملاً بحث مدنی نهفته است. پس ضمن اینکه ما به مدنیت اعتقاد داریم، اما رؤس و جایگاه و اهداف آموزش‌وپرورش ما از‌سوی دولت تعیین می‌شود. حال با این شرایط باید دید آموزش‌وپرورش تا چه زمانی می‌خواهد بر‌ساخته از دولت باشد. باید دید کدام جهت آن موردنظر ماست. ما ضمن اینکه نگاهمان به تعلیم و تربیت دارای جایگاه خاصی است، اما در ابعاد و حوزه‌های مختلف باید مردم را وارد کنیم تا نظر دهند. انجمن اولیا و مربیان باید به‌طور واقعی از حالت صوری دربیایند و در حل مشکلات مدرسه نظر داده و همراهی کنند و آنجا که مدرسه نیاز دارد کمک کنند. انجمن اولیا و مربیان نباید فقط در گرفتن پول مؤثر باشد، بلکه باید در ابعاد مختلف نظر دهد. هزینه آموزش‌وپرورش بسیار زیاد است. آموزش‌وپرورش نیازمند کمک است. به همین دلیل باید مردم باشند، اما بر اساس ضابطه و حساب‌وکتاب مشخص. باید یک بازنگری جدی و آسیب‌شناسی جدی انجام شود. اگر به لحاظ قانونی مشکلاتی هست و نیازمند بازنگری است باید مجلس موانع قانونی را برطرف کند. آنجا که نیاز به کمک مدیران مدارس است کمک گرفته شود. آنجا که نیازمند کمک رسانه‌هاست استفاده شود و مخصوصاً رسانه‌های جمعی مثل رادیو و تلویزیون را فعال کنیم و بخواهیم در امر تعلیم و تربیت شرکت کنند.

❧ **نایب‌رئیس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی**